



دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب - 5 شهریور / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی روز شیرین و ساعت خوشی برای بنده است که در جمع يك مجموعه ی نخبه، زیده و امیدبخش برای آینده ی کشور، بنشینیم و راجع به یکی از اساسی ترین و اصلی ترین مسائل کشور - که مسئله ی پیشرفت علم و بر اساس آن پیشرفت فناوری است - بحث کنیم. همه ی مطالبی هم که برادران و خواهران و جوانان عزیز ما آمید اینجا و بیان کردید، این فکر را در انسان تقویت میکند که جریان نخبه پروری و توسعه ی فکر سازنده در بین جوانان کشور، يك جریان رو به رشدی است؛ دارای پیشرفت است و آینده ی خوبی را نوید میدهد. من حرفهای دوستان در سال گذشته را هم کم و بیش در یاد دارم - غیر از اینکه حالا یادداشت شده و ثبت شده - آنها هم همین جور است. نکاتی که به ذهن جوانان و نخبگان ما میرسد که فکر میکنند اینجا باید مطرح و بیان کنند، برای ما شاخص است. انسان می بیند که هم توجه و انگیزه ها برای پیشرفت علم و اعتناء به اهمیت علم و فناوری بیشتر شده، هم جهتگیریها با اهداف والای نظام جمهوری اسلامی هم خوان تر و منطبق تر شده است.

خب، حالا این مطلب را من عرض بکنم - شاید پاسخی هم باشد به سؤالی که این برادر عزیزمان در پایان جلسه مطرح کردند - که علم برای يك جامعه ی انسانی، يك موهبت الهی است: هم علوم ارزشی و علوم معرفتی، و هم علمی که به انسان کمک میکند تا در این طبیعت عظیم و در این خلقت شگفت آور خدای بزرگ، از گنجینه هائی که خدا برای انسان در این طبیعت قرار داده، بیشتر و بهتر استفاده کند. از اول پیدایش انسان، حرکت انسان به سمت پیدا کردن رموز طبیعت و کشف کردن کوچه پس کوچه های تو در توی این ساخت عظیم و بافت بزرگ به کار گرفته شده و اسلام و همه ی ادیان این را تأیید میکنند. شما نمیتوانید در هیچ دینی - بخصوص دین اسلام - يك تعبیر و جمله ای پیدا کنید که نشان دهنده ی این باشد که این علوم دنیوی فایده ای ندارد یا مضر است یا نباید دنبالش رفت؛ بعکس، همه ی این دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا کرده - که وسیله ای است برای اینکه انسان بتواند از این حقیقتی که وجود دارد و این طبیعتی که خدا برای ما آفریده، بهتر استفاده کند - و همچنین دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا نکرده - شاید دانشهای بیشتری در آینده پیدا خواهد شد که حجم و کمیت آنها از همه ی دانشهای بشری از اول تا حالا بیشتر است و بشر در آینده به آنها دست پیدا خواهد کرد - همه ی این دانشها از نظر اسلام با ارزش است.

خود علم ارزش است. این ارزش را کسانی میتوانند به ضد ارزش تبدیل کنند که از او علیه منافع بشریت استفاده کنند؛ اما خود دانش يك ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان میشود. کسانی که دارای علم اند، بیشتر میتوانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند. علم را با شهوات، با غرضها و با چیزهائی که در عالم مادی و گرایشهای مادی وجود دارد، مخلوط نباید کرد. آنی که آنجا بد است، او ضد ارزش حرکت کردن آنها و شهوانی و نفسانی بهره گیری کردن از علم است، نه خود علم. بنابراین علم يك ارزش است؛ در این شك نکنید. هم علوم معرفتی، علوم ارزشی، علوم حقیقی یا اعتباری ای مثل فلسفه یا فقه یا امثال اینها خیلی با ارزش است و هم علمی که وسیله ی کشف دنیای موجود در اختیار بشر و کشف رازهای آن و توانا شدن بر استفاده ی بهتر از این گنجینه ی عظیم است.



این دنیائی که در اختیار ماست، این زمینی که در اختیار ماست، این موادی که در اختیار ماست، ای بسا میلیونها برابر بهره ای که امروز بشر از آنها استفاده میکند، قابل بهره برداری باشد. از همین آب، از همین خاک، از همین مواد، از همین هوا، از همین موادی که در زیر زمین هست و از همین چیزهائی که در اختیار ماست و ما ارزش اینها را نمیدانیم، ای بسا بشر در آینده بهره های خیلی فراوانی ببرد. ما امروز نفت را میسوزانیم؛ ممکن است در آینده، بهره مندی هائی از نفت برای بشر به دست بیاید و به قدری ارزشمند بشود که هیچ عاقلی حاضر نباشد يك قطره ی نفت را بسوزاند؛ به جای آن از انرژیهای دیگر استفاده کنند. شما ببینید، امروز از زباله ی شما بازیافت مواد باارزش میکنند. خوب، زباله زباله است؛ این يك مثال خیلی كوچك است. خیلی از چیزها هست که ممکن است از آنها استفاده بشود؛ به چه وسیله میشود آنها را فهمید؟ به چه وسیله میشود به راههای ده توی طبیعت پی برد و راه برد و از آنها استفاده کرد؟ به وسیله ی علم. اینی که پیغمبر میفرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصین»، نمیخواهد بگوید بروید فلسفه یا فقه را از چین یاد بگیرید؛ بروید دانش را - هر دانشی؛ علم و آنچه که بر علم مترتب میشود یعنی فناوری و توانائیهای فراوان سرپنجه ی بشری - یاد بگیرید؛ اینها چیزهای لازمی است. خوب، این يك مقداری پرداختن به مسائل بدیهی بود؛ یعنی بنده تصور هم نمیکردم که در بین شما جوانان نخبه کسی باشد که در این زمینه شك و تردیدی داشته باشد و تصور کند که حالا اسلام چه میگوید.

سند چشم انداز هم مطلقاً يك قطعه ای از نگاههای غربی نیست. ما جهت را عوض کرده ایم. ببینید، يك نکته ای که شما جوانها خوب است به آن توجه کنید، این است که خیلی از چیزها هست که قالب آن ایرادی ندارد، اما جهتش اشکال دارد؛ ما در اسلام هم از این قبیل چیزها داشتیم. همین حج و عمره ای که شماها میروید و اینقدر دختر جوان ما و پسر جوان ما - با آن دلهای پاکشان - تحت تأثیر آن قرار میگیرند، این حج يك رسم جاهلی است و در جاهلیت بوده. همین طوافی که شما میکنید، این طواف را در دوران جاهلیت میکردند. در موسم حج، که موسم حج هم همین ماه های حرام بود، از اطراف عربستان - حالا در بیرون عربستان کسی اعتقاد نداشت - راه می افتادند و به مکه می آمدند، برای اینکه اطراف کعبه طواف کنند. قالب کار، همین قالب کاری است که شما انجام میدید؛ اما محتوا و جهت کار، صد و هشتاد درجه تفاوت دارد. امروز شما اطراف کعبه که حرکت میکنید، توحید را دارید تجسم میکنید؛ حرکت عظیم عالم بر محور وجود خالق متعال؛ که اینجا يك حرکت سمبلیک و يك حرکت نمادین به وجود آمد و کعبه شد مظهر توحید در اسلام، و حج شد بهترین عامل برای توحید کلمه در يك مجمع عظیم جهان اسلام؛ این جهت امروز آن است. جهت جاهلیت صد و هشتاد درجه تفاوت داشت و نقطه ی مقابل این بود؛ بنهای گوناگونی بیرون کعبه و درون کعبه آویخته بودند؛ کسانی که می آمدند و دور کعبه حرکت میکردند، در واقع دلباخته و دلبسته ی آن بت بودند و از خدای واحد احد چیزی نمیفهمیدند. خود این حرکت کردن هم نه فقط آنها را به هم نزدیک نمیکرد، آنها را از هم دور میکرد؛ چون دلبستگی هایشان با هم فرق داشت؛ یکی به خاطر فلان بت دور کعبه میگشت و دیگری به خاطر فلان بت دیگر که همه ی اینها توی کعبه جمع بودند. پیغمبر حج و طواف و سعی را مطلقاً تغییر نداد - این قالب حفظ شد - جهت آن را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ حجتی که مظهر شرك و بت پرستی و خرافه پرستی و عصبیت و جهالت محض بود، تبدیل شد به مظهر توحید، مظهر صفا، مظهر اخلاص و دلباختگی در مقابل ذات اقدس الهی.

قالبها اشکالی ندارند. تکنولوژی هسته ای هیچ گناهی نکرده، گناه مال آن کسی است که جهت او را جهت تخریب انسانها قرار میدهد. یا مثلاً فناوریهای پیشرفته ی نانو، یا صنایع الکترونیک بسیار پیشرفته و آیرودینامیک و امثال اینها گناهی ندارند؛ اینها خیلی خوبند و ابزارهائی هستند برای اینکه انسان بتواند در دنیا از منابع و فرصتهائی که



خدا در این طبیعت قرار داده، به بهترین وجهی استفاده کند. گناه مال آن کسانی است که از این نعمت خدادادی و از این گنجینه ی الهی، برای زورگوئی به بشر، تسلط به دیگران و پامال کردن حقوق دیگران استفاده میکنند. شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غصب و تعدی و تجاوز مخالفت میکنید، شما که استکبار و جامعه ها یا حکومت‌های برآمده ی از شهوات شخصی و جمعی را تقبیح میکنید، شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزشهای خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید. این چیز بدی است؟! یک نفر سوار هواپیما میشود و برای عیاشی و هرزگی، به فلان شهر فلان کشور میرود؛ یک نفر هم سوار همین هواپیما میشود، میرود برای زیارت خانه ی خدا؛ این هواپیما که گناهی ندارد؛ جهت‌ها فرق میکند. شما دانش و فناوری را فرا بگیرید و از هوش ویژه ای که در شما هست - که من حالا اشاره خواهم کرد و بعضی از دوستان هم گفتند - استفاده کنید، برای اینکه در این جهت، قله را فتح کنید. آن وقت از این موقعیت و از این فرصت، برای نشر ارزشهای حقیقی - به جای ارزشهای دروغین، به جای نفسانیات، به جای هرزگی، به جای سلطه ی زر و زور بر سرنوشت بشر - استفاده کنید.

امروز بیش از دو میلیارد انسان در دنیا گرسنه اند! این شوخی است؟ امروز ملت‌هایی بر روی طلا راه میروند، ولی شکمشان گرسنه است. نظام جهانی نظام سلطه است؛ نظام استکبار است؛ نظام ظلم است. به چه وسیله آمریکا به اینجا رسید؟ چه طور توانست این‌چور به دنیا زورگوئی کند؟ چون دانش داشت و از دانش استفاده کرد. غربیها در این مسابقه ی جهانی ای که در طول تاریخ وجود داشته، سوء استفاده کردند.

ببینید در طول تاریخ، علم در بین ملت‌های دنیا دست به دست گشته؛ شما هیچ ملتی را پیدا نمیکنید که از اول تا آخر، دانش در اختیار آنها بوده؛ نه، این یکی از سنت‌های خداست. در این مسابقه ی در بین جوامع بشری - ملتها مسابقه دارند و از هم جلو میزنند - از لحاظ دانش یک وقتی شرق جلو بود، یک وقتی کشورهای اسلامی جلو بودند و یک وقتی بخصوص کشور ایران جلو بود؛ همین حالتی که امروز شما در بعضی از کشورهای غربی مشاهده میکنید که از لحاظ علم در رتبه ی بالائی هستند و دیگران باید سرشان را بالا کنند تا آنها را ببینند، یک روز کشور شما همین حالت را داشت و کشورهای اروپائی و کشورهای شرقی و غربی باید به بالا نگاه میکردند تا میتوانند دانشمند ایرانی را ببینند؛ دانشمندان عظیمی که نه فقط در علم، حتی در فناوری - فناوریهای متناسب با آن روز - از همه ی دنیا جلو بودند. یک روزی این‌چوری بوده؛ یک روز هم غربیها جلو افتادند.

اما یک نکته ی مهمی است که از زمانی که غربیها جلو افتادند، از این برتری علمی، برای مقاصد سیاسی و اقتصادی سلطه گرانه استفاده کردند؛ استعمار به وجود آمد. استعمار قبلاً وجود نداشت. معنای استعمار این است که یک کشوری با هزارها کیلومتر فاصله، دست اندازی کند به یک کشوری که منبع ثروت است - مثلاً شبه قاره ی هند - و آنجا را به قدرت شمشیر و به قدرت سلاح پیشرفته، در اختیار خودش بگیرد. خب میدانید، انگلیس هم محاط به دریاست. انگلیسیها چون در کار کشتیرانی و دریانوردی یک مهارتی پیدا کرده بودند؛ این دریانوردی را توسعه دادند، خطرپذیری کردند، ریسک پذیری کردند، آمدند هندوستان را پیدا کردند و بر آن تسلط پیدا کردند؛ اینجا از برتری علمی خودشان استفاده ی سیاسی کردند! کاری که تا آن زمان هیچ کدام از کشورهای گوناگونی که دارای برتری علمی بودند، نکرده بودند. هم انگلیسیها، هم بلژیکیها، هم هلندیها، اینهایی که طرف منطقه ی شرق و منطقه ی شبه قاره ی هند رفتند و اول بار استعمار را راه انداختند، و هم آن کسانی که بعد رفتند آفریقا را گرفتند - گروهی از کشورهای اروپائی مثل پرتغال - اینها از قدرت پیشرفت علمی و توانائی علمیشان، استفاده ی سیاسی کردند؛ یعنی



استعمار را به وجود آوردند. وقتی استعمار به وجود آمد، سرنوشت آن ملت استعمارزده در دست آن ملت استعمارگر قرار گرفت؛ از این استفاده کردند برای اینکه آنها را در جهالت نگه دارند و تا آنجائی که البته میتوانستند، مسابقه علمی را متوقف کردند!

این اتفاقی است که افتاده و کاری است که شده. خب، این سوء استفاده ی از علم بود. دنیا تحولات دارد؛ انسانها در يك حدی محدود نمیمانند و انسان را نمیشود زندانی کرد. بالاخره جوشش استعداد انسانی - چه در زمینه علمی، چه در زمینه سیاسی - کار خودش را میکند، و کرد. حرکتهای فراوانی از طرف مردم در جاهای مختلف دنیا به وجود آمد. وضع امروز دنیا این است که قدرتهائی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی میکنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند. شماها خوب میدانید، بخشهایی از دانش در کشورهای پیشرفته ی غربی هست که مطلقاً اجازه ی دسترسی به آنها به کسانی خارج از محدوده ی خودشان داده نمی شود؛ یعنی اختصاصی است. مثل این سندهائی که وقتی کهنه شد، منتشرش میکنند؛ دانشی هم که در اختیار آنهاست، وقتی از آن مرحله ی اهمیت و درجه ی اولی افتاد، آن وقت اجازه میدهند دیگری دست پیدا کند؛ آن وقتی که خودشان به يك مرحله ی بالاتری رسیده باشند. این جوری اند و در زمینه ی علم، انحصارطلبند.

خب، در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید يك حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزش گذاری و نظام ارزشی، نقطه ی مقابل آن چیزی است که امروز سلطه گران غربی دنبالش هستند - و خب، موفق هم شده؛ از لحاظ سیاسی موفق شده؛ خودش را تثبیت کرده؛ علیه توطئه ها سی سال ایستادگی کرده و در ابعاد مختلف خودش را پیش برده - برای اینکه بتواند هدفهای خودش را تأمین بکند - که آن هدفها، هدفهای والای انسانی است که هر انسانی آنها را قبول دارد - باید دنبال علم برود؛ این است که من گفته ام امروز یکی از پایه ای ترین گفتمانهای کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد. بدون اینکه ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون اینکه این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلاء بدهیم، امکان مقابله ی با آن قدرتها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت در اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد. خب، در این زمینه من شاید يك مقداری بیش از اندازه ی لازم صحبت کردم؛ به خاطر اینکه تصور نمی کردم این فکر و ذهنیت در جوانهای نخبه باشد که علم و فناوری چه فایده ای دارد؛ لذا يك مقداری در این زمینه بیشتر توضیح دادم.

بینید، علم مایه ی قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزشهای خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده اش این است؛ اقتدار برای زورگوئی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگوئی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سالها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای يك ملت، علم وسیله ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی.

خوشبختانه ما در این زمینه امکانات زیادی داریم. اگر درست محاسبه بشود، شاید بتوان گفت واقعاً حدود صد و پنجاه سال ملت ایران را متوقف نگه داشتند. این استعداد جوشانی را که شما امروز می بینید، این مال امروز نیست؛ همیشه نسلهای ایرانی این استعداد را داشته اند. اینها به دلایل مختلف متوقف مانده؛ عمده اش هم به خاطر



حاکمیت حکومت‌های مستبد و جائز در همه ی زمانها - و بخصوص در این برهه ی آخر، به اضافه شدن وابستگی و فساد - بوده. این عقب ماندگی وجود دارد. لیکن استعداد ملت ایران، يك استعداد از متوسط بالاتر است؛ این را ما بارها گفته ایم. بعضیها خیال کردند که ما این را ادعا میکنیم؛ حالا بتدریج در سطح جهان هم دارد این معنا منعکس میشود. گواهیها و تصدیقهای جهانی نسبت به هوش بسیار زیاد ایرانی، مکرر در جاهای گوناگونی دارد تکرار میشود. توی مجلات آمریکائی مینویسند و بخصوص از بعضی از دانشگاههای ما اسم می آورند. البته این اسم آوردنها مغرضانه است؛ آن دانشگاهی که آنها اسم می آورند - چه در تهران، چه در اصفهان - اینها دانشگاههای برترند، شکی نیست؛ اما نام آوردن آنها مغرضانه است؛ چون دانشگاه بر پایه ی نیروی انسانی است: دانشجو و استاد و البته مدیریت. هم دانشجو و هم استاد، از همین نسلهای ایرانی هستند؛ بنابراین، این عمومیت دارد و مخصوص دانشگاه خاصی نیست. در هر جائی که تلاشی صورت بگیرد، همین برجستگی نمایان خواهد شد که آنها در مواردی به آن اعتراف میکنند. بنابراین ما از این امکان بسیار بالای انسانی برخورداریم؛ یعنی هوش و استعداد از متوسط بالاتر انسانی در ایران.

این میتواند عقب ماندگی را جبران کند. این سالهایی که شما راه افتادید و این کاروان علم در کشور حرکت کرده، دستاوردهای بسیار زیادی داشته. همین تقریباً ده دوازده سال اخیر که این تفکر علم گرایی و دنبال علم رفتن و نهضت تولید علم و نهضت نرم افزاری و مسئله ی نخبه پروری در کشور شروع شده، تا امروز ما خیلی پیشرفت کرده ایم. این پیشرفتهای ما مغتنم است.

من البته قانع نیستم. نه اینکه تصور کنید بنده حالا خیال میکنم ما به مقصود رسیده ایم؛ نه، خیلی کار دارد تا این عقب ماندگی تاریخی و طولانی جبران بشود. بخصوص که ما تنها هستیم؛ ما تنها هستیم! کسی از نظام اسلامی و اندیشه ی اسلامی حمایت نمیکند. این چینیها - که الان شما مشاهده کردید و در جریان المپیک در پکن، يك گوشه ای از توانائیهای فنی چینیها نشان داده شد و در واقع رو شد - خیلی پیشرفتهای خوبی دارند از لحاظ علمی؛ اما توجه داشته باشید، اینها در سال 1948 - که چین جدید و چین کمونیست در آن سال تشکیل شده - هیچ چیز نداشتند! ولیکن شوروی - يك حکومت با سابقه تر از لحاظ ایدئولوژی، و با سابقه ی بسیار بیشتر از لحاظ پیشرفتهای علمی و فنی - هر چه داشت در اختیار چین قرار داد؛ زمان استالین هم بود. وجود يك کشور عظیم مثل چین - البته آن وقت جمعیتش مثل حالا نبود؛ اما بالاخره کشور بزرگ، پهناور و پرجمعیتی بود - در کنار کشور بزرگ شوروی و در قلب آسیا، برای شوروی کمونیستی آن روز خیلی باارزش بود. هر چه داشتند، در اختیار چینیها گذاشتند؛ حتی انرژی هسته ای را. انرژی هسته ای را جوانهای ما خودشان به دست آوردند. چینیها انرژی هسته ای را مثل يك هدیه ای از روسها گرفتند؛ کمالین که به کره ی شمالی هم دادند؛ هم چینیها دادند، هم روسها دادند. ببینید پیشرفتهای کشورهای مثل چین، به برکت حمایتهای فوق العاده و استثنائی کشورهای دیگر بود. هند هم همین جور است؛ البته از جهات دیگری. آن وقتی که بین روسیه و چین اختلاف به وجود آمد - میدانید دیگر، تا چند ده سال متمادی بعد از دوره ی استالین، بین این دو کشور بزرگ کمونیستی اختلاف شدید و عمیقی بود؛ مثل اختلاف شرق و غرب و شاید هم يك خرده تندتر - این اختلاف موجب شد که روسها آمدند به کمک هندیها که همسایه ی چین بود؛ چینیها هم رفتند به کمک پاکستان که رقیب هند بود! یعنی عوامل سیاسی در یارگیریها تأثیر گذاشت. آن وقت چینیها انرژی هسته ای را دادند به پاکستان؛ روسها هم انرژی هسته ای و بسیاری از پیشرفتهای را دادند به هند. یعنی هم هند، هم پاکستان، دستاوردهایشان را از دیگران گرفتند.



من هر چه نگاه میکنم، می بینم هیچ کشوری از این کشورهایی که در زمینه های مختلف چنین پیشرفت‌هایی پیدا کرده اند، مثل کشور ما نیست! ما مظلومانه، تنها و در بین این همه دشمنیها - در حالی که هم شرق کمونیستی و هم غرب سرمایه داری با ما به جد دشمن بودند؛ اروپا هم که مایل بود يك نقش مثلاً میانه ای ایفا کند، هیچگونه کمکی به ما نکرد، بلکه ضربه هم زد - این جوانهای باهوش و زیرک و احياناً بسیار زبیل از میان ملت ما، توانستند این نهالها را رشد بدهند و به ثمر برسانند. کارهای بزرگی شده؛ این خیلی امیدبخش است. در آینده هم میتوانید این کارها را انجام بدهید. لذا من نگاهم به آینده، نگاه خیلی خوبی است؛ اگرچه وضع کنونی را قابل تحسین میدانم، اما به هیچ وجه قناعت به این وضع را مجاز نمیشمارم، برای هیچ کس: نه برای دولتیها، نه برای خود شما جوانها، نه برای اساتیدتان. ما هنوز خیلی باید راه برویم؛ خیلی باید حرکت کنیم. فاصله ی ما هنوز با آن قله ها - حتی، برخی پائین تر از قله ها - زیاد است. باید این فاصله ها را طی کنیم.

البته اینها ثروت و پول لازم دارد؛ پول را هم از همین راه باید به دست بیاوریم. دوستان اشاره کردند - اغلب این نکاتی که دوستان گفتند، نکات درستی است؛ در محاسبات ما و در یادداشتهایی که به ما دادند، همه ی این نکات وجود دارد - ثروت را از همین راه باید به دست بیاوریم. آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاههای نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان میخوریم. بیشتر بودجه ی کشور از نفت است. نفت ذخیره ی ماست. گنجینه مان را داریم تخلیه میکنیم؛ از روی ناچاری. باید روزی برسد که بتوانیم از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد. يك هم افزائی پی در پی دارند: علم به ثروت کمک میکند، ثروت به علم کمک میکند؛ دائماً هم افزائی به وجود می آید. ما باید دنبال این روز باشیم.

البته جهتگیریها، باید جهتگیریهای درست و معنوی و الهی باشد؛ همچنان که در اظهارات خیلی از این جوانهای عزیز هم همین را دیدیم؛ این گرایشهای عزیز در بین این جوانها، حقیقتاً دل انسان را روشن میکند و خرسند میکند. نکات خوبی گفته شد؛ در ذهن بنده هم بود، من هم میخواهم همینها را تأکید بکنم. خب، خوشبختانه بنیاد نخبگان و آقای دکتر واعظزاده، الحمدلله خیلی خوب فعالند؛ من خیلی خوشحالم از این که حرکت را شروع کرده اند، کار را آغاز کرده اند؛ لیکن باید به ضعفهایی که وجود دارد توجه کنند و پی در پی ضعفها را بر طرف کنند.

یکی از ضعفها ناهماهنگیهاست؛ در بخشهای مرتبط با دانش و علم و فناوری، بایستی هماهنگی کامل بوجود بیاید. ما مسئله ی ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردیم - که خب، الحمدلله در این زمینه دارد کار میشود و بیشتر هم کار خواهد شد؛ حالا مسئولین مطالبی هم درباره ی ارتباط نخبگان با مراکز تحقیقاتی یا با صنایع و امثال اینها، با ما در میان گذاشتند که مژده بخش است و ان شاءالله در وقت خودش به شما گفته خواهد شد و اطلاع خواهند داد - لیکن هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است؛ یعنی دو وزارت علوم و بهداشت با همین معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور و بنیاد نخبگان و سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی و هر بخشی از بخشها که در این زمینه ها همکاری میکنند، يك ارتباط و همکاری و هم افزائی دائم لازم است که مبدا اینها کار هم را خنثی نکنند یا حلقه های مفقوده و خلأهایی در این زمینه - از قبیل همین که يك خانمی راجع به مشکل جوانهای خوارزمی بیان کردند - بوجود بیاید.

يك چیز دیگری که من اینجا لازم است مطرح بکنم - اگر چه مخاطبش در واقع کس دیگری است - مسئله ی



بزرگداشت نخبگان و تکریم نخبگان است. در این زمینه، در واقع رسانه های ما و بخصوص رسانه ی ملی و صدا و سیما، مخاطبند. خب، شما ملاحظه کنید در تبلیغاتی که انجام میگیرد: هنرپیشه ها و هنرپیشه های خارجی و اسمهای گوناگون تبلیغ و ترویج میشوند. مثلاً مسابقه میگذارند توی تلویزیون و سؤال میکنند: اسم قهرمان اول فلان فیلم چی بود؟ اگر گفتی و بلد بودی برنده میشوی! حالا ندانند این را؛ مگر چه کسری و چه نقصی وارد میشود؟ فرض کنید میلیونها نفر این فیلم را ندیده اند و این هنرمند یا این بازیگر را نمیشناسند؛ این شد يك نقيصه؟ که شناخت او بشود يك امتیاز؟! یا مثلاً ورزش. خب البته میدانید و بارها گفته ام، من از طرفداران ورزش قهرمانی ام؛ یعنی من بر خلاف يك حرفی که گفته میشد آقا! ورزش قهرمانی چیست؛ بنده گفتم که نه، ورزش قهرمانی لازم است. ورزش قهرمانی در واقع نخبه پروری در باب ورزش است؛ این میشود يك قله؛ تا قله نباشد، دامنه نیست. وقتی يك قله درست شد، آن وقت دامنه - یعنی ورزش عمومی - شکل خواهد گرفت. بنابراین بنده به ورزش قهرمانی معتقدم؛ به این قهرمانهایی هم که میروند و پرچم کشورمان و سرود ملی کشورمان را اینجا و آنجا به چشم و گوش مردم دنیا میرسانند، علاقه مندم؛ از آنها هم تشکر میکنم؛ خیلی هم دوستشان میدارم؛ گاهی هم پیش من می آیند. اما حرف من این است که چرا ما باید يك نخبه ی علمی را کمتر از يك نخبه ی ورزشی بها بدیم؟ ما چقدر نخبه های علمی داریم که در قله اند؛ چقدر نخبه ی علمی داریم که اگر چنانچه دست کشورهای دیگر به اینها برسد، آنها را فوراً میقایند و میبرند؛ اینها را باید تجلیل کنیم.

حالا من از باب مثال مرحوم کاظمی آشتیانی را مثال میزنم - حالا چون بارها اسم ایشان را برده ایم و از دنیا هم رفته، خدا ایشان را رحمت کند - یا همین جوان عزیزی که آقای دکتر واعظزاده اسمش را آوردند - که پارسال اینجا در جمع ما بوده و امسال فوت کرده - خب، اینها تجلیل بشوند، شناخته بشوند. ما نخبگان علمی تاریخی مان را هم ترویج نمیکنیم؛ خیلی از مردم کشور ما علمای بزرگ و دانشمندان بزرگ رشته های مختلف را نمیشناسند؛ نه فقط در رشته ی فقه و فلسفه و علوم دینی، بلکه دانشمندانی که در رشته های رائج امروز دنیا - در فیزیک، در ریاضی، در شیمی، در مکانیک - در تاریخ خود ما برجسته بودند و کارهای بزرگی آن روز انجام دادند و بعضی از اختراعات آنها حتی امروز مورد استفاده است. نه جوانهای ما اسمهایشان را میدانند، نه ترویجی از آنها میشود، نه یادی از آنها میشود! خیلی نقيصه ی بزرگی است. این هم بایستی حتماً اصلاح بشود.

خب، نکات گوناگون دیگری هم وجود دارد که بعضی اش را هم دوستان گفتند. این مسئله ی راه یافتن پروژه های علمی به بازار مصرف؛ که از جمله ی چیزهای بسیار مهمی است که خب دولت باید حتماً در این زمینه کمک کند و بنا هم دارند کمک کنند؛ من اطلاع دارم. ان شاءالله در این زمینه اقداماتی صورت بگیرد که محصول کارها تجاری بشود.

و آخرین مطلب - که دیگر حالا ظهر است و ظاهراً وقت اذان است - اینکه افتخار خدمت به کشور از راه علم را شماها خیلی قدر بدانید. خدمت به کشور از راههای مختلفی ممکن است؛ یکی از بهترین راههایش خدمت به کشور از راه علم است. خب، سیاستمدارها هم خدمت به کشور میکنند؛ مجاهدان راه خدا و رزم آوران میدانهای جنگ هم خدمت به کشور میکنند، تجار و بازرگانان و بقیه هم خدمت به کشور میکنند، صنعتگران هم خدمت به کشور میکنند؛ اما یکی از راههای برجسته ی خدمت به کشور، از راه علم است؛ به همین دلائلی که قبلاً عرض شد که علم مایه ی اقتدار ملی، مایه ی قدرت کشور، مایه ی ثروت کشور و مایه ی سربلندی هر کشوری است. شما در درس خواندن و در حائز شدن رتبه های بالای علمی، اگر این نیت را بکنید، کارتان میشود عبادت. یعنی کار انسان - يك کار واحد - با



دو نیت مغایر، دو حالت گوناگون پیدا میکند: گاهی همان کار میشود عبادت، گاهی همان کار میشود معصیت. نمازی که انسان میخواند، اگر به قصد تقرب به خدا بخواند، توجهش به خدا باشد، با اخلاص نماز بخواند، این بالاترین عبادتهاست؛ اگر همین نماز را برای ریا بخواند، این نماز میشود معصیت و خود آن نماز، میشود گناه. ریا، گناه کبیره است؛ مصداقش هم میشود همان نمازی که از روی ریا خوانده شد؛ نیت اینقدر مؤثر است. شما اگر چنانچه این تحصیل را، این تلاش علمی را، این سعی برای به دست آوردن رتبه های نخبگی را، برای خدمت به مردم و برای خدمت به کشور و برای سربلندی نظام اسلامی انجام بدهید، بلاشک یکی از حسنات شما خواهد بود.

امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال همه ی شماها را توفیق بدهد و به شما کمک کند و ان شاءالله روز به روز بیشتر شاهد گسترش علم و تحقیق در کشور باشیم و ببینیم که جوانان مؤمن و جوانان صالح ما، توانسته اند در این مسابقه ی عظیم، پیشاپیش حرکت کنند. ان شاءالله خداوند همه ی شماها را محفوظ بدارد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته